



An Exploration of *Iranian Intellectuals and the Language Issue*

Habibollah Abbasi *¹

Received: 11/01/2025

Accepted: 28/02/2025

* Corresponding Author's E-mail:
h.abbasi@khu.ac.ir

Abstract

In the book *Iranian Intellectuals and the Language Issue: Approaches of Iranian Intellectuals from the Qajar Period to the Present*, the author explores the issue of the Persian language from the time of the Constitutional Revolution, and slightly earlier, in five sections, including an introduction and an afterword (or, in the author's words, a preface and an epilogue). The author examines the perspectives of intellectuals over this broad period, collecting and classifying the diverse and sometimes contradictory views and opinions, primarily of the enlighteners rather than the intellectuals themselves. The author does this in a highly intelligent and critical manner, introducing and explaining the different approaches of intellectuals in dealing with the category of language, particularly the Persian language, over a period of more than two hundred years. The analysis observes historical periods, paying special attention to the dominant discourse, episteme, and the formation of knowledge and the epistemic space of each era. While the author follows a chronological order, this approach has led

1. Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0000-0002-5578-4856>



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.



Quarterly Literary criticism

E-ISSN: 2538-2179

Vol. 18, No. 68

Winter 2025

Book review



to the inclusion of individuals in certain groups who might have been more appropriately placed in another.

Keywords: Persian language, *Iranian Intellectuals and the Language Issue*, Balo, criticism

نقد کتاب

صحبت جانکاه غوغایی زبان

(اشارات و تأملات و اقتراحاتی در کتاب روشنفکران ایرانی و مسئله زبان^۱)

عالم هماهنگی کشش‌های متضاد است

هراکلیتوس

آن‌ها پیرامون طلوع خورشید باهم در جدالند،

حال آنکه مشکل اصلی که با آن روبه‌رو هستند غروب خورشید است.

آدونیس

حبیب‌الله عباسی^{۲*}

(دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

چکیده

نویسنده در کتاب روشنفکران ایرانی و مسئله زبان؛ رویکردهای روشنفکران ایران از دوره قاجار تا عصر حاضر توانسته مسئله زبان فارسی را از روزگار مشروطه، کمی

^۱ فرزاد بالو (۱۴۰۳). روشنفکران ایرانی و مسئله زبان؛ رویکردهای روشنفکران ایرانی به زبان و زبان فارسی از

دوره قاجار تا عصر حاضر. تهران: طرح‌نو.

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* h.abbasi@khu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-5578-4856>



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

پیش‌تر از آن، در ۵ بخش با مقدمه و مؤخره‌ای یا به تعبیر خودش پیش‌گفتار و پی‌گفتاری از منظر روشنفکران در این بازه زمانی فراخ بکاود و نظرها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد عمدتاً روشنگران را، نه روشنفکران، خیلی هوشمندانه و منتقدانه گردآوری و طبقه‌بندی کند و رویکردهای متفاوت روشنفکران را در مواجهه با مقوله زبان و زبان فارسی، طی بازه بیش از دویست ساله، ناظر به دوره‌های تاریخی و توجه عمده بر گفتمان مسلط، ایستمه و صورت‌بندی دانایی و فضای معرفتی هر عصر، معرفی و تبیین کند. رعایت ترتیب زمانی موجب شده در هر رویکرد افرادی قرار بگیرند که اگر در گروه دیگری جای می‌گرفتند بایسته‌تر بود.

واژه‌های کلیدی: زبان فارسی، روشنفکران/ایرانی و مسئله زبان، بالو، نقد.

درآمد

در سال‌های اخیر، کم‌تر شاهد تألیف و تصنیف کتابی در حوزه زبان فارسی بوده‌ایم، بیشتر ترجمه این خلاء را پر کرده است. به تازگی کتاب *روشنفکران ایرانی و مسئله زبان؛ رویکردهای روشنفکران ایران از دوره قاجار تا عصر حاضر*، از فرزاد بالو توسط نشر طرح نو روانه بازار نشر شده و چشم و دل بسیاری از دغدغه‌مندان زبان فارسی را در این فضای آشفته سیاسی و فرهنگی ایران‌زمین روشن ساخته است؛ چه زبان فارسی این روزها از مؤلفه‌های بسیار قوی وحدت ملی ایران و حفظ تمامیت ارضی آن به شمار می‌آید که خوشبختانه در حال برآمدن از محاق است.

شکل و شمایل آراسته و جذاب کتاب، ناخودآگاه این مثل سایر عربی را فریاد می‌آورد که «الْمَالُ يَشْبُهُ بِصَاحِبِهِ». شباهت بسیاری میان کتاب و نویسنده بسیار پرآزرم آن احساس می‌کنم. این کتاب حجیم حدود هفتصد صفحه‌ای با قطع رقعی و حروف ریز و سطرهای بسیار فشرده، توسط دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

مازندران، در دورهٔ عسرت و حسرت به رشتهٔ تحریر درآمده است یا به تصریح خودش «این اثر محصول تلخ‌ترین سال‌های زندگی‌ام است. روزگاری که از نامردمی قداره‌بندان بی‌آزرم و از بدعهدی دل‌دو جایان ناهم‌رنگ، قلب و روحم آزرده بود و حس و جانم فرسوده و همچون اسطورهٔ یونانی آنتایوس - هر وقت زمین می‌خورد قوی‌تر برمی‌خاست - با زخم‌ها بر پشتم و امیدها در مشتم شب و روز را وقف نوشتن این کتاب کردم، شاید تیری در تاریکی باشد، با این امید که راهی به دهی بُرد و خردک شرری برافروزد و زبان فارسی را اندکی یاری بخشد» (ص ۲۷). این همه یادآور جملهٔ معروف *توران میرهادی*، مادر آموزش و پرورش نوین ایران است: «غم بزرگ را به کار بزرگ تبدیل کنیم».

نویسنده در این کتاب حجیم خویش توانسته مسئلهٔ زبان فارسی را از روزگار مشروطه، کمی پیش‌تر از آن، در ۵ بخش با مقدمه و مؤخره‌ای یا به تعبیر خودش پیش‌گفتار و پی‌گفتاری از منظر روشنفکران در این بازهٔ زمانی فراخ بکاود و نظرها و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد عمده‌تاً روشنگران را، نه روشنفکران، خیلی هوشمندانه و منتقدانه گردآوری و طبقه‌بندی و درنهایت تحلیل و نقد کند.

کتاب با فهرست تفصیلی ده صفحه‌ای آغاز می‌شود. پیش‌گفتار ده صفحه‌ای آن که از صفحه ۱۹ آغاز می‌شود به‌طور کلی بیانگر استراتژی نویسنده در تألیف کتاب است. چنانکه خود تصریح می‌دارد پژوهش حاضر بر بنیاد ده پرسش سامان یافته است (ر.ک. صص ۲۵ - ۲۶).

مؤلف پیش از بخش نخست کتاب، در مقدمهٔ بیست و هفت صفحه‌ای، طی ۱۵ فقرهٔ کوچک و بزرگ، نگاهی گذرا به تلقی از زبان، در جهان قدیم و جدید انداخته و با نثری هموار به خوبی از عهدهٔ این مهم برآمده است و توانسته به صورت اجمالی و

گذرا مهم‌ترین جریان‌های حوزه مطالعات زبانی را از کراتیلوس افلاطون تا دیدگاه‌های پس‌اساختارگراها و پسامدرنیست‌ها، در باب زبان بازخوانی کند تا بستر مناسبی برای نقد و تحلیل پنج رویکرد روشنفکران ایرانی به مقوله زبان فراهم شود (صص ۳۱-۵۷). پس از آن در درآمدی کوتاه (صص ۵۹-۶۲) تلاش می‌کند رویکردهای متفاوت روشنفکران را در مواجهه با مقوله زبان و زبان فارسی، طی بازه بیش از دویست ساله، ناظر به دوره‌های تاریخی و توجه عمده بر گفتمان مسلط، ایستمه و صورت‌بندی دانایی و فضای معرفتی هر عصر، در این کتاب معرفی و تبیین کند تا «بهتر بتوان دگرذیسی دیدگاه‌های روشنفکران ایرانی را درباره زبان و زبان فارسی و به تعبیر ریچارد رورتی «چرخش زبانی» را بر حسب گفتمان‌های مختلف فکری معاصر به روشنی نشان داد. تلقی ما از گفتمان‌های روشنفکری در اینجا به گفتمان در نظام فکری میشل فوکو نزدیک است. روش ما ابتدا توصیف درست و دقیق رویکردها و به دنبال آن تحلیل و نقد این رویکردها خواهد بود» (ص ۶۱).

بخش یکم: رویکرد اصلاح و تغییر خط و الفبای فارسی (صص ۶۳ - ۱۳۸)

بعد از بحثی نسبتاً مستوفی درباره سودای تجدد روشنفکران عهد قاجار (صص ۶۴-۷۳)، زبان فارسی را در اندیشه روشنفکرانی ایرانی این عهد بررسی می‌کند. نخست با میرزا فتحعلی آخوندزاده (صص ۷۴ - ۱۰۳) آغاز می‌کند که نگاهی سوسیالیستی ناسیونالیستی به زبان داشت. برای اینکه این زبان بتواند وارد تمدن جدید شود در صدد اصلاح خط و الفبای آن بوده است.

آن‌گاه از دیدگاه ملکم خان درباره زبان فارسی سخن به میان می‌آید که همانند آخوندزاده در صدد تغییر خط و الفبای فارسی بوده است (صص ۱۰۴-۱۱۶). پس از آن

به تالوف تبریزی و دیدگاه‌های وی پرداخته و اینکه مواجهه انتقادی با جریان سره‌گرایی داشته است (صص ۱۱۷ - ۱۲۲). آخرین روشنفکری که جایگاه زبان و خط در اندیشه او تبیین شده، میرزا آقاخان کرمانی است. او دشواری زبان فارسی را به علت استیلای زبان تازی می‌داند و از عیوب خط و الفبای فارسی انتقاد می‌کند که برای ارتباط با تمدن و اصول پیشرفت، باید اصلاحاتی در زبان و خط صورت بگیرد و همچنین شیوه تدریس زبان فارسی تغییر کند و ساده‌نویسی باب شود (صص ۱۲۳-۱۳۶) و پایان آن خلاصه دو صفحه این بخش است که تقریباً هم و غم همگان برای ورود به جهان جدید، بر دگردیسی پوسته زبان یا تغییر خط و الفبا متمرکز شده است.

بخش دوم: رویکرد ناسیونالیستی به زبان فارسی (صص ۱۳۹-۴۷۲)

نویسنده بعد از درآمدی دو صفحه‌ای، از برساخت‌های گفتمان ناسیونالیستی دوره رضاشاهی طی دوازده صفحه (صص ۱۴۲-۱۵۳) بحث می‌کند، گفتمانی که خرده‌دال‌هایی مانند سکولاریسم و مدرنیسم و باستان‌گرایی در بطن خود دارد (ص ۱۴۲). آنگاه دیدگاه‌های شخصیت‌های جریان‌ساز دو حوزه سیاسی و ادبی را به تفصیل تبیین می‌کند.

ابتدا از شخصیت یگانه و دوران‌ساز محمدعلی فروغی و دیدگاه‌های او درباره زبان فارسی و احساس دلبستگی‌هایش به زبان فارسی که در پیام من به فرهنگستان منعکس است و اعتراضات مختلف او در باب زبان فارسی، بحث کرده است (صص ۱۵۴ - ۱۷۸). آنگاه دیدگاه‌های تقی‌زاده درباره زبان فارسی و تقسیم‌بندی دوره‌های چهارگانه زبان فارسی از دیروز تا امروز و انتقادات او از باستان‌گرایی به تفصیل معرفی، نقد و تحلیل شده است (صص ۱۷۹-۱۹۷). در سه صفحه و نصفی از

دیدگاه‌های کاظم‌زاده ایرانشهر دربارهٔ زبان فارسی سخن به میان آمده است (صص ۱۹۸-۲۰۱) و آنگاه به تفصیل، حدود ۵۰ صفحه، دیدگاه‌های احمد کسروی را دربارهٔ زبان فارسی کاویده است در موضوعاتی مثل چیستی و عیب‌های زبان و تأکید بر استقلال و سویهٔ ارتباطی زبان و تغییر خط (صص ۲۰۲-۲۴۹). سرانجام در بیست صفحه دیدگاه‌های جمال‌زاده و هدایت را در باب زبان فارسی بررسی کرده است (صص ۲۵۰-۲۷۰) و در پایان خلاصهٔ دو صفحه‌ای بخش دوم آمده است.

بخش سوم: رویکرد مارکسیستی به زبان فارسی (صص ۲۷۳ - ۳۴۲)

این بخش با درآمدی سه صفحه‌ای شروع می‌شود و با بحثی کوتاه دو صفحه‌ای دربارهٔ گفتمان چپ و قرائت مارکسیستی از زبان در سه صفحه ادامه می‌یابد. آنگاه ابوالقاسم ذره و دیدگاه‌های زبانی وی معرفی می‌شود (صص ۲۸۳-۲۸۹). سپس از تقی ارانی و دو دورهٔ فکری او که در اولی گرایش به گفتمان ناسیونالیستی داشته و در پی مطالبهٔ استقلال زبان فارسی بوده و در دورهٔ دوم گرایش به مارکسیست داشته و درصدد اصلاح زبان و خط فارسی بوده، سخن به میان آمده است (صص ۲۹۰-۳۰۷) و آنگاه با طول و عرض بسیار از احسان طبری و دیدگاه‌های وی دربارهٔ زبان فارسی سخن رانده شده و از ماهیت زبان و پیوند آن با ملیت، تکامل دیالکتیکی زبان‌ها و اثبات هم‌ریشگی زبان‌های سامی آریایی و ترکی و چگونگی پیوند میان زبان فارسی و زبان عربی و مشکلات کنونی زبان فارسی و راه‌حل‌های آن و سه گرایش عمده در زمینهٔ تحول زبان در دورهٔ معاصر بحث شده است (صص ۳۰۸ - ۳۴۲). در دو صفحهٔ پایانی آن خلاصهٔ بخش آمده است.

بخش چهارم: رویکرد بازگشت به خویشی به زبان (صص ۳۴۵ - ۴۳۰)

بعد از درآمد پنج صفحه‌ای درباره علل و عوامل تکوین این رویکرد که در دهه‌های ۱۳۳۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در مواجهه انتقادی با مدرنیته پهلوی دوم شکل گرفت و مشخصه اصلی این نسل روشنفکری نوعی تفکر اتوپیایی و جست‌وجوی گونه‌ای مدرنیته ایدئولوژیک بود (ص ۳۴۹)، نخست دیدگاه‌های فخرالدین شادمان درباره زبان فارسی را بازخوانی و تحلیل می‌کند (صص ۳۵۱ - ۳۶۴). بعد از آن از دیدگاه‌های افراطی جلال آل احمد درباره زبان و خط فارسی سخن رانده (صص ۳۶۵ - ۳۸۳) و آنگاه از دیدگاه‌های علی شریعتی درباره زبان فارسی به تفصیل سخن به میان آورده (۳۸۴ - ۴۱۲) و در ادامه از دیدگاه‌های سید حسین نصر درباره زبان فارسی بحث کرده است (۴۱۳ - ۴۲۸) و در نهایت خلاصه این بخش آمده است.

بخش پنجم: رویکرد فلسفی به زبان (صص ۴۳۱ - ۶۳۹)

در آخرین بخش کتاب که مفصل‌ترین آن‌هاست، نویسنده در درآمدی چهار صفحه‌ای از رویکرد فلسفی به زبان، که آن را به مثابه یک رخداد گفتمانی در اندیشه روشنفکران ایرانی و از حیث تاریخی پس از انقلاب ۱۳۵۷ می‌داند و از چگونگی تکوین چنین گفتمان و گونه‌های مختلف آن بحث می‌کند (صص ۴۳۲ - ۴۳۵).

پس از آن، ابتدا درنگی در سپهر فکری احمد فردید دارد و دیدگاه‌های زبانی وی را وامی‌کاود (صص ۴۳۶ - ۴۵۷). در ادامه از آرای رضا داوری درباره زبان و زبان فارسی به تفصیل بیشتری بحث می‌کند (صص ۴۵۸ - ۴۷۸). آنگاه از دیدگاه‌های دو متفکر ایرانی درباره زبان فارسی که یکی ساکن فرانسه بود و دیگری ساکن آلمان: داریوش شایگان (صص ۴۸۸ - ۵۰۰) و آرامش دوستدار (صص ۵۰۱ - ۵۴۱) سخن به میان آورده

است. در ادامه از دیدگاه‌های زبانی سه اندیشه‌ورز سیاسی، دینی و زبانی: سید جواد طباطبایی (صص ۵۴۲-۵۵۷)، عبدالکریم سروش (صص ۵۵۸-۵۸۳) و داریوش آشوری (صص ۵۸۲-۶۳۶) به تفصیل سخن رانده است و در خلاصه سه صفحه‌ای پایان بخش متذکر شده که روشنفکران ایرانی در حاشیه بحث از زبان فارسی به تعریف ماهوی زبان پرداخته و مواجهه‌ای انتقادی به زبان فارسی داشته‌اند و دیدگاه‌های زبانی افلاطونی و هایدگری و ویتگنشتاینی در آرا و اندیشه‌های این روشنفکران برجستگی بیشتری دارد (ص ۶۳۷).

پایان‌بخش کتاب، نخست، پی‌گفتار؛ درنگی کوتاه درباره آینده زبان فارسی (صص ۶۴۰-۶۶۹) است که نویسنده در این بخش به بازخوانی انتقادی کارنامه روشنفکران ایرانی و مسئله زبان می‌پردازد و این مهم را در عناوینی مانند زبان فارسی در ایران امروز و فردا (از سوژه مدرن تا سوژه پسامدرن)؛ زبان فارسی در جهان پسامدرن؛ نسبت زبان فارسی با زبان‌های محلی و قومی در جهان پسامدرن؛ تقویت زبان فارسی با زبان اشارت/ زبان شاعرانه و شاعرانگی زبان در جهان پسامدرن و مواجهه ریزومیک زبان فارسی با زبان‌های بین‌المللی در جهان پسامدرن تبیین می‌کند و کتاب را با این بند به انجام می‌رساند:

«باری اگر روزگاری، مارکس گفته بود که سرمایه‌داری همه جهان را به رنگ و شکل خود درآورده است، امروز تکنولوژی و پروژه جهانی شدن و بنیادهای فلسفی آن ملیت‌های گوناگون را نه در دهکده، بلکه در یک خانه گردهم آورده و به لطف رسانه‌های مجازی، تجارب فرهنگی سیاسی اقتصادی و... مشترکی برایمان رقم زده است. در پرتو تکنولوژی جدید و با درنور دیده شدن مکان و زمان مألوف، نظام فرهنگی ملت‌ها با سهولت بیشتری به روی هم گشوده شده و غرابت‌ها و بیگانگی‌ها

به سمت آشنایی‌ها و یگانگی‌ها معطوف گردیده است. طبیعی است که در جهان پسامدرن با مختصات و ویژگی‌هایی که برشمردیم، امکان نزدیک شدن به افق فکری و فرهنگی غربی و شرقی فراهم‌تر می‌گردد و در پرتو سپهر اندیشگی پسامدرنی، بدفهمی و بدخوانی‌های ایده‌های فلسفی و فکری، رفته رفته جای خود را به فهم درست‌تر مفاهیم فکری و فلسفی، به‌ویژه در گستره علوم انسانی می‌دهد و از مسخ مفاهیم تا حدود زیادی فاصله خواهد گرفت. برای ارزیابی اینکه هوش مصنوعی در آینده زبان‌ها و از آن جمله زبان فارسی چه نقشی ایفا خواهد کرد نیاز به زمان بیشتری است؛ اما تردیدی نیست که پاره‌ای از برنامه‌ریزی‌ها و نگرانی‌های مربوط به حوزه زبان را دستخوش قابلیت‌های خود خواهد ساخت» (ص ۶۶۹).

سی صفحه پایانی کتاب (صص ۶۷۰ - ۶۹۹) در برگیرنده بیش از ۵۰۰ منبع و مأخذی است که نویسنده در تهیه این کتاب از آن بهره جسته است. بایسته است بر همت والا و جد و جهد او در این روزگار عسرت درود فرستیم.

۲. درنگ‌ها و تأملات

حقیقت امر این است که کتاب دارای اسلوب و روشی استوار است؛ به‌ویژه که مسئله واحد یا کلان گزاره‌ای بخش‌های مختلف آن را به هم پیوند می‌زند. در اینجا مرا نقد چندانی بر ساختار کتاب نیست، اما درباره دیدگاه‌های مختلفی که در پنج رویکرد و بخش صورت‌بندی شده‌اند و چهره‌های هر رویکرد، که تحریر محل نزاع است، درنگ‌ها و تأملاتی دارم که در این‌جا متذکر می‌شوم و در پایان برخی از پیشنهادها را با نویسنده باریک بین کتاب در میان خواهم نهاد تا چه قبول افتد.

۱-۲. با توجه به سه بخش پایانی کتاب، در می‌یابیم مشکل زبان فارسی، تنها مشکل صرف و نحو یا مسئله زبان معیار و زبان عامه نیست یا به عبارت دیگر مشکل زبان فارسی، در درجه نخست، زبانی نیست، بلکه مشکل اساسی آن عوایق دینی و سیاسی است که موجب شکست نوآوری زبان فارسی و تعطیلی نیروهای نوگرایی آن شده، همان موانعی که تحت تأثیر ایدئولوژی‌هایی عمدتاً با ریشه‌ها و اصول مارکسیستی پدید آمده که از ربع اول سده پیش، بر زندگی ایرانیان، هژمونی پیدا کرد، و باعث شد فرهنگ ایرانی دنباله‌رو سیاست شود، سیاستی که غالباً کورکورانه بود. این تأثیرپذیری موجب شد روشنفکر، دیگر به مثابه فردی مستقل و آزاد نباشد، بلکه به تعبیر گرامشی، به «روشنفکر حزبی» تبدیل شد.

۲-۲. در جامعه ایرانی کم‌تر مجال آزادی بدون قید و بندی برای آفرینش پدیدار شده تا زبان فارسی را به جنبش درآورد و آن را به اوج قله‌ها برساند و آفاق شناختی جدیدی را به رویش بگشاید و موجب گشایش و انفجار آن شود، به گونه‌ای که نام‌های جدید، واژگان نو و ساخت‌ها و ترکیب‌های جدیدی در آن پدید آید، به گونه‌ای که زبان پویا شود و زنده، درست مثل زندگی و تن.

۳-۲. تا وقتی که زبان فارسی روی سریر نهادهای ایدئولوژیک، اعم از دینی و سیاسی می‌خوابد، هرگز پیشرفت نمی‌کند، هرچند شیوه‌های آموزش و تدریس آن نو شوند؛ این همه بر عکس موجب فروپاشی و به حاشیه رفتن بیشتر آن می‌شود؛ چه این نهادهای فرهنگی رایج اندیشه می‌کنند و برنامه می‌ریزند و عمل می‌کنند، اما نه آنگونه که بایسته و شایسته است. حق این است که مسئله زبان فارسی امروز در تمجید و تحسین آن و ابزارهای تدریس یا شیوه‌های تدریس خلاصه نمی‌شود.

۴-۲. اگر این روشنفکران عمدتاً زبان‌ورز و نه زبان‌اندیش می‌خواهند این زبان زنده باشد و شکوفا و خلاق، پس باید ابداع، نگارش، اندیشه‌ورزی را زنده کنند، در یک کلام آزادی را؛ چه زبان همان ریه دوم است اگر نویسنده‌ای با آزادی سخن نگوید و آزادانه ننویسد؛ گویی نفس نمی‌کشد یا به سختی نفس می‌کشد و زندگی می‌کند. چگونه فرد یا نویسنده‌ای که خود را پیوسته در حالت خفگی می‌یابد می‌تواند به زبان و کشور خویش خدمت کند.

۵-۲. همچنین باید به این مهم واقف بود که زبان چنانکه هلدلین می‌گوید ارزنده‌ترین پدیده‌هایی است که انسان مالکشان است. هر چیزی که برای انسان مهم و موجب ارتقای اوست، هر چیزی که انسان را به اوج می‌برد یا هر چیزی که مایه سقوط او به هاویه می‌شود، همه و همه به وسیله زبان انجام می‌پذیرد. زبان باعث رهایی است، اما در عین حال موجب بردگی انسان نیز می‌شود. زبان همان قدرت یگانه‌ای است که نویسنده از آن بهره‌مند می‌شود. وقتی این زبان به پایان می‌رسد، یعنی قدرت دخل و تصرف در آن از جهت نوآوری و گفت‌وگو و تعامل پایان می‌گیرد و هر چیز عمیق و جوهری پایان می‌یابد و هر آنچه را که به زبان مربوط است، از دست بدهد، نه سیاست و نه تجارت نمی‌تواند آن را به شخصیت ایرانی بازگرداند.

۶-۲. اگرچه هایدگر زبان را خانه هستی می‌داند، اما مسئله زبان را به آگاهی، ذهن دانایی و در یک کلام به نقطه‌های شناخت‌شناسانه محدود نکرد و مهم‌ترین بدفهمی از نظر او این است که زبان را صرفاً بیان‌اندیشه بدانیم، بلکه زبان خود اندیشه است و نیز انباشت واژه‌ها نیست که برای مشخص کردن چیزهایی از پیش آشنا، به کار روند، بل هم‌نوایی اصل حقیقت جهان است (احمدی، ۱۳۸۱: ۷۰۹). همچنین هایدگر دیگر زبان را ابزار و وسیله انسان نمی‌داند، بلکه بر این باور است که «ما باید سرچشمه

زبان را از گستره هستی بیابیم» در نهایت تصریح می‌کند «ما از آن زبان هستیم و زبان به ما تعلق ندارد» (همان: ۷۱۱).

۷-۲. زبان از آن همگان است، از این رو کسانی که همانند فروغی واژه‌های تازه‌ای برای بیان مفهومی علمی یا فلسفی می‌سازند نمی‌توانند امتیازی برای خود قائل باشند و قائل هم نبودند، زیرا در بهترین حالت که این اصطلاح رایج شود کسی به سازنده آن توجهی نمی‌کند و این واژه‌ها همچون یکی از ده‌ها هزار واژه رایج در زبان تلقی می‌شوند. انگار همیشه در گنجینه زبان بوده است، زبان در اصل به همگان تعلق دارد. «زبان زنده در معرض تغییر و تبدیل همیشگی است و با امکان زندگی می‌کند. ممکن است که واژه‌هایی که بسیار هم رایج و مصطلح بوده‌اند کنار گذاشته شوند و دیگر به کار نروند، واژه‌هایی تازه ساخته شوند، قاعده‌ها و واژه‌هایی که به کار نمی‌آمدند دوباره به کار افتند و حتی برای بیان معناهایی تازه مورد استفاده قرار گیرند» (همان: ۷۱۴).

۸-۲. کم‌تر روشنفکری در این کتاب می‌یابیم که همانند نخستین فیلسوفان یونانی در زبان اقامت داشته است؛ چه برای آنان اقامت داشتن در زبان «به معنای آشنایی با و تسلط بر زبان خودشان نبود، بل گشوده شدن به بیگانگی آن بود» (همان: ۷۱۶).

۹-۲. از آن رو که زبان با ژرفای هستی پیوند دارد، انسان نمی‌تواند و نباید چنان رفتار کند که گویی بر زبان مسلط است، بلکه این زبان است که بر انسان مسلط است. زبان به ما این امکان را می‌دهد تا حدود و گستره آزادی خودمان را در آن بیازماییم، «فقط باید همواره به یاد داشته باشیم که آنچه می‌نویسیم و با بر زبان می‌آوریم همان نیست که به راستی هست یا خواسته‌ایم» (همان: ۷۲۱).

۱۰-۲. هایدگر گوهر زبان و اندیشه را یکی می‌داند و آن را در وارستگی و آزادی می‌جست. از این رو انسان همواره هستی را در زبان می‌جوید و زبان در حکم

همان کوشش او در رسیدن به خویشتن است کوششی که چون انسان همواره در راه است به پایان نمی‌رسد. زبان جایگاهی است که هستندگان در آن نخست بر انسان آشکار می‌شوند، زبان شرط وجود انسان است. دانایی بدون پیش‌فرض حضور اصیل زبان ممکن نیست، فقط آنجا که زبان هست جهان بوده‌گی دارد و انسان هستندگان را می‌فهمد، چون در زبان اقامت دارد و آفرینندگی انسان زبانی است و کنش ناب و رها از زبان ناممکن و بی‌معناست و در یک کلام، اندیشه زبانی است (همان: ۷۲۳).

۱۱-۲. هایدگر می‌نویسد «زبان ابزاری در اختیار ما نیست، رویداد از آن خودکننده‌ای است که امکان‌های عالی وجود انسانی را پیش می‌کشد». او زبان را نه ابداع ما، بلکه رویداد از آن خودکننده‌ای می‌داند که انسان از رهگذر آن، آزادی را تجربه می‌کند که بر حیوانات ناشناخته است. با زبان زندگی می‌کنیم و با آن به گونه‌ای غیرتعمدی و بدون نیت و مقصود، به هستن خودمان در جهان شکل می‌دهیم (همان: ۷۲۵).

۱۲-۲. کلمه‌ها ابزاری صرف برای بیان نیست، چون به ابزار تبدیل شوند دیگر سازندگان اندیشه نخواهند بود. در روزگار تکنولوژی «نحو، دستور زبان، دستگاه واژگان» به کنش‌های سیاسی و اخلاقی تبدیل می‌شوند (ص ۷۲۶).

۱۳-۲. اگرچه بر دیدگاه‌های برخی از چهره‌های هر رویکرد پنج‌گانه انتقاداتی دارم، لیک جهت پرهیز از تطویل و اطناب، گزین‌گویی‌ایی از آدونیس برای هر رویکرد نقل می‌کنم و به دلیل خاصیت آیینگی آن‌ها و این‌که مصداق رویکردهای زبانی این کتاب هستند ساکن سرای سکوت می‌شوم:

روشنفکران، در رویکرد نخست «گل‌های رز آینده را در شن‌زار زمان حال می‌کارند» (ص ۵۷۲)؛ در رویکرد دوم «برای تعریف نو از هر چیزی، بازنگری در هر چیزی را شرط نخست ارائه فکری نو» می‌دانند (ص ۵۶۵)؛ در رویکرد سوم «از بال‌ها سخن می‌گفتند، اما در سخنشان جز قید و بندها چیزی» نبود (ص ۵۵۳)؛ در رویکرد

چهارم «فرهنگی که کارش، تنها احیای پدر است، فرهنگ محتضری است» (ص ۵۷۳) و در رویکرد پنجم «زبان به پایان نمی‌رسد - کسی که با آن سخن می‌گوید به پایان می‌رسد: زبان است که آن‌چه را بی‌نهایت می‌نامیم، می‌آفریند».

۳. اقتراحات

نخست، تجدید نظر در مفهوم روشنفکری؛ چه عمده افراد کتاب روشنگرند تا روشنفکر. روشنفکر در باور من به سان خورشید و چشمه جوشان است و روشنگر صاحب چراغ قوه است و هر جا را که بخواهد روشن می‌کند؛ دودیدگر، تفاوت قائل شدن میان کسی که زبان‌ورزی می‌کند با آنکه زبان‌اندیش است یا به تعبیری میان آنکه در خانه زبان اقامت دارد با آنکه از زبان استفاده ابزاری می‌کند؛ سدیدگر پررنگ‌تر شدن حضور نویسنده و پرهیز از غیبت، به تعبیر صوفیه یا به تعبیر گادامر از آن خودسازی بیشتر، از رهگذر تصنیف کتاب دویست صفحه‌ای با تکیه بر انبوه مطالب همین کتاب حاضر و مطالب بسیاری که در اختیار دارد؛ چهارم، اهمیت و اعتبار والا قائل شدن برای آن‌انکه زبان پروژه آن‌ها بوده، مثل زنده‌یادان خانلری و فرشیدورد و...؛ پنجم، رعایت ترتیب زمانی موجب شده که در هر رویکرد افرادی قرار بگیرند که اگر در گروه دیگری جای می‌گرفتند برای مثل بایسته‌تر بود طباطبایی در رویکرد ناسیونالیسی زبان قرار می‌گرفت.

پی‌نوشت

در نگارش جستار حاضر از این دو کتاب بهره‌ها جستم:

۱. آدونیس، *المحیط الأسود*، بیروت: دارالساقی، ۲۰۰۵.

۲. احمدی، بابک، *هایدگر و تاریخ هستی*، تهران: مرکز، ۱۳۸۱.